

Research Paper

Typology of Rural Development Activists' Mentalities on Rural Industrialization

*M. Noruzi*¹ , *Kh. Kalantari*² , *H. Shabanali Fami*³ , *A. Asadi*⁴ 

Received: 9 December, 2024

Accepted: 6 May, 2025

Abstract

Introduction

Rural industrialization is a key aspect of economic diversification in rural areas, but stakeholders in rural development have diverse perspectives on this process. This study examines the different ideological frameworks of rural development actors and how they influence policy and practice. The lack of cohesive strategies for rural industrialization has led to socio-economic disparities and cultural erosion in rural communities.

Materials and Methods

This research used Q-methodology to analyze the subjective perspectives of 17 key stakeholders, including policymakers and local leaders. Participants ranked 40 statements on rural industrialization, leading to the identification of four distinct mentalities through factor analysis.

-
1. Assistant Professor of Operations and Productivity Management Department, Faculty of Islamic Studies and Management, University of Imam Sadiq(a.s), Tehran, Iran.
 2. Corresponding Author and Professor, Department of Agricultural Management and Development, Faculty of Agriculture, University College of Agriculture and Natural Resources, University of Tehran, Tehran, Iran.
 3. Professor, Department of Agricultural Management and Development, Faculty of Agriculture, University College of Agriculture and Natural Resources, University of Tehran, Tehran, Iran.
 4. Professor, Department of Agricultural Management and Development, Agricultural Economics and Development, University College of Agriculture and Natural Resources, University of Tehran, Tehran, Iran.

DOI: 10.30490/rvt.2025.367340.1637

Results and Discussion

Four mentalities were identified: Cultural Preservationists, Industrial Integrationists, Anti-Industrial Advocates, and Structural Reformists. The study highlights the challenges in translating recognition of rural-urban differences into effective policies, with a focus on the need for context-driven approaches.

Conclusions

The study emphasizes the need for consensus-building mechanisms among stakeholders, localized models for rural development, and institutional reforms to address policy fragmentation. Future research should explore how global trends impact rural development mentalities and strategies.

Keywords: Activists Mentalities, Q-Methodology, Rural Development, Rural Industrialization.

روستا و توسعه

سال ۲۸، شماره ۱۰۹، بهار ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

گونه‌شناسی ذهنیت‌های کنشگران توسعه روستایی درباره صنعتی‌سازی روستاها

محمد نوروزی^۱، خلیل کلانتری^۲، حسین شعبانعلی فمی^۳، علی اسدی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۱۶

چکیده

صنعتی‌سازی روستاها را به‌عنوان یکی از راهبردهای متنوع‌سازی عرصه‌های اقتصادی در روستاها محسوب می‌کنند که می‌تواند به افزایش ظرفیت کنشگری روستاییان برای امور اقتصادی و صنعتی منجر شود. یکی از مهمترین دغدغه‌های خط‌مشی‌گذاران توسعه روستایی آن است که چه تعریفی از صنعتی‌سازی روستاها وجود دارد و آیا تمام کنشگران این عرصه دارای ذهنیت واحدی در این زمینه هستند یا خیر؟ پژوهش حاضر با هدف گونه‌شناسی ذهنیت کنشگران توسعه روستایی پیرامون صنعتی‌سازی روستاها با روش‌شناسی کیو انجام گرفت. بر همین اساس پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های اکتشافی با متخصصان این حوزه، گزاره‌های کیو شناسایی شد. چپ‌نشین این کدها در جداول کیو انجام شد. برای این منظور از نقطه‌نظرهای خبرگان (۱۷ نفر) استفاده شد که با روش گلوله برفی انتخاب شدند. در نهایت چهار گونه ذهنیت ارائه شد. این چهار گونه را می‌توان با عناوین «محافظه‌کاران فرهنگ صنعتی»، «روستا بر مدار صنعت»، «کنشگران ضد صنعتی روستا» و «ساختارگرایان صنعتی» نام‌گذاری کرد که نشان می‌دهد کنشگران حوزه

۱. استادیار گروه مدیریت عملیات و بهره‌وری، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.

۲. استاد گروه مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشکده‌گان کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران.
(khkalan@ut.ac.ir)

۳. استاد گروه مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشکده‌گان کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران.

۴. استاد گروه مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشکده‌گان کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران.

توسعه روستایی از نظر نوع نگاه و رویکرد به امر صنعتی‌سازی روستاها در طیفی نسبتاً وسیع قرار دارند. دسته‌ای از کنشگران معتقدند که به هیچ عنوان روستاها نباید دستخوش تغییرات صنعتی شهری شده و در آن سر طیف، افرادی قرار دارند که معتقدند روستاها، شهرهای عقب‌مانده‌اند. نکته جالب این است که از نظر اندیشه‌ای، بسیاری از کنشگران به تفاوت شهر و روستا قائل بوده و حفظ این تفاوت را لازم می‌دانند، هرچند از نظر سیاستی، پاسخ دقیقی برای پیاده‌سازی آن ندارند. نتایج این پژوهش می‌تواند در امر سیاست‌گذاری حوزه توسعه روستایی مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: توسعه روستایی، ذهنیت ذی‌نفعان، روش‌شناسی کیو، صنعتی‌سازی روستاها.

مقدمه

با مروری بر تاریخچه مفاهیم توسعه که ذیل بستر اقتصاد توسعه نیز بازتعریف می‌شود می‌توان مکاتبی را مشاهده کرد که به جهات گوناگون دارای تفاوت‌های مبنایی از نظر ارزشی و نگرشی و به تبع آن ابزارهای اجرایی هستند. مکاتبی که در تعریف توسعه به ابزار و قواعد خاصی معتقدند و گاه به ارائه نظریات جهان‌شمول نیز اهتمام دارند.

با توجه به استقرار بخش عمده‌ای از جمعیت برخی کشورها در روستاها با فعالیت غالب کشاورزی سنتی و عدم تحرک دیگر بخش‌های اقتصادی در روستاها، سیاست‌گذاران و مسئولان تصمیم گرفتند با ارائه راهکاری، بین بخش عقب‌مانده روستایی و بخش رشدیافته، تعادل بهتری ایجاد نمایند؛ زیرا توسعه روستایی به‌عنوان یک فرایند تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در محیط روستا، شامل بهبود بازدهی و افزایش اشتغال و درآمد روستاییان، تأمین حداقل قابل قبول سطح تغذیه، مسکن، آموزش و پرورش و بهداشت است (Motiee Langroodi & Najafi Kani, 2011). ولی آنچه که به دشواری موضوع می‌افزود آن بود که توسعه روستایی صرفاً یک پدیده اقتصادی یا عمرانی نبود؛ بلکه امری فرهنگی - اجتماعی بود که می‌خواست جریان‌های انسانی را رقم بزند و همین امر بر دشواری تغییرات می‌افزود.

با نگاهی تاریخی می‌توان مشاهده کرد که متنوع‌سازی اقتصاد روستا به‌عنوان یک رکن تغییر مثبت و بهبود مؤثر در فضاهای روستایی قلمداد شد. موج جدیدی از اقتصادهای مدرن در دنیا پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت، موجی که در ابتدا شهرهای بزرگ را درنوردید و پس از آن به شهرهای کوچک و روستاها نیز تسری یافت. یکی از پرتکرارترین گزاره‌ها در این موج، صنعتی‌سازی و توسعه اقتصاد در بستر صنعت بود (Kemp, 1993).

یکی از استراتژی‌های رسیدن به اهداف توسعه روستایی را صنعتی‌سازی روستاها می‌دانند و بیان می‌دارند که تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که راه‌اندازی و توسعه صنایع در مناطق روستایی منطبق با پتانسیل‌های منطقه، موجب توسعه منطقه‌ای و افزایش توازن منطقه‌ای در فضای جغرافیایی می‌شود. مطیعی لنگرودی و نجفی کانی (Motiee Langroodi & Najafi Kani, 2011) در همین راستا معتقدند که صنعتی‌سازی روستاها، فشار اقتصادی حاکم بر این محدوده از فضای زیستی سرزمینی را کاهش داده و امکانی برای ارتقای سطح کیفی زندگی ایجاد می‌کند.

ناگفته پیداست که در هیچ فضای زیستی و جمعیتی، توجه به یک بخش اقتصاد، کارایی لازم را به لحاظ اشتغال و درآمد برای نیروی کار منطقه ایجاد نمی‌کند و در نتیجه مشکلات تأمین معاش که در پی بیکاری و کم‌کاری و نیز کاهش ارزش‌افزوده تولید حاصل می‌شود، امکانی جزء مهاجرت برای نیروی فعال باقی نمی‌گذارد. رانده شدن نیروی فعال و کارآمد از هر فضای تولیدی نیز رکود اقتصادی، ضعف سرمایه‌گذاری و تشدید مهاجرت نیروهای مولد را در پی خواهد داشت. برای برون‌رفت از این وضعیت نامطلوب و مشکل‌آفرین، برنامه‌ریزی در جهت متنوع‌سازی اقتصاد روستایی به‌ویژه صنعتی‌سازی روستاها برای رهایی این محدوده از فضای تولیدی و زیستی سرزمین از تنگناهای موجود در اولویت است.

مطیعی لنگرودی و نجفی‌کانی (Motiee Langroodi & Najafi Kani, 2011) در یک طبقه‌بندی اولیه صنعتی شدن روستا را از دو منظر مورد بررسی قرار دادند: ۱) ایجاد و استقرار صنعت در روستا. ۲) صنعتی‌سازی روستا از طریق متنوع کردن فعالیت‌های کشاورزی و تکمیل زنجیره آن نظیر راه‌اندازی کارخانه‌های بزرگی که مواد اولیه‌شان از محصولات کشاورزی است و یا توسعه صنایع دستی روستایی و یا شکل‌دهی واحدهای کوچکی که فراوری محصولات کشاورزی یا انواع نهاده‌های کشاورزی را در دستور کار خود قرار می‌دهند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی پیرامون شناخت ذهنیت کنشگران عرصه توسعه روستایی در موضوعات مختلف و به‌ویژه در زمینه صنعتی‌سازی روستاها انجام نگرفته است ولی می‌توان پژوهش‌هایی را یافت که به امر توسعه صنعتی روستاها یا صنعتی‌سازی روستاها پرداخته‌اند که در ادامه به نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

به باور مرادی و مطیعی لنگرودی (Moradi & Motiee Langroodi, 2005) استقرار صنعت در مناطق روستایی کشور در دهه‌های گذشته مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته است؛ به‌طوری‌که با استفاده از این فرایند در شاخص‌های اقتصادی، فقر و امثال آن گامی در جهت تعادل منطقه‌ای برداشته شده است. بر اساس یافته‌های تحقیق مولوی (Molavi, 2011)، از آنجا که صنعتی شدن

روستا به عنوان عاملی که اثرات آن در همه بخش‌ها به‌ویژه بخش اقتصاد روستا احساس شده و باعث تحرک قسمت زیادی از منابع مالی در جهت توسعه روستایی شده است، استقرار صنایع روستایی در قالب شهرک‌ها و نواحی صنعتی با هدف دستیابی به توسعه روستایی در دو دهه اخیر در دستور کار قرار گرفته است. همچنین غفران و برادران شاهرودی (Ghofran & Baradaran Shahroudi, 2010) نکات و ملاحظاتی را در زمینه راهبردها و راهکارهای درآمد پایدار روستایی بیان کرده‌اند. طاهرخانی (Taherkhani, 2000) نیز با تأکید بر صنعتی شدن روستا به عنوان سنگ بنای استراتژی آینده توسعه روستایی به این موضوع از دیدگاه‌هایی پرداخته و در بخشی از آن به تجربه صنعتی شدن روستاها در چین نیز اشاره کرده است.

تحلیل‌ها و نظریه‌های مختلفی در حوزه عمل صنعتی کردن روستاها عنوان شده است. این نظریه‌ها و رویکردها که از سوی افراد با تخصص‌های مختلفی مطرح شده‌اند، اغلب اوقات در خصوص آنچه روی داده است، برخورد یکسانی ندارند. با بررسی اختلاف نظرها می‌توان گفت، تفاوت نگاه‌ها به‌طور عمده در خصوص اهداف، نوع صنایع، ماهیت و مقیاس صنایع، نحوه مکان‌یابی و پیامدهای صنعتی است.

حاجتی ضیابری (Hajiti Ziabari, 2012) بر این باور است که صنعتی شدن روستا، قابلیت بررسی از منظر گوناگون را دارد؛ از جمله اینکه صنعتی شدن روستا، از طریق ایجاد و استقرار صنعت در روستا و همچنین صنعتی‌سازی روستا دنبال می‌شود. این دیدگاه در رویکرد ایجاد و استقرار صنعت در روستا، به یک روش برنامه‌ای منجر می‌شود و بر این امر تأکید دارد که با توجه به عوامل تولید و وضعیت بازار چه صنایعی می‌توانند در مناطق روستایی استقرار یافته یا توزیع شوند. هر صنعتی که بتواند در مناطق روستایی استقرار یابد، صرف‌نظر از چگونگی تأثیر آن بر روستاییان جزئی از برنامه استقرار صنعت در مناطق روستایی است. در دیدگاه دیگری که با رویکرد صنعتی‌سازی روستا عمل می‌کند، مسئله صنعتی‌سازی روستا فرایندی فرعی و وسیله‌ای برای متنوع کردن اقتصاد روستا تلقی می‌شود؛ ضمن اینکه انعطاف‌پذیری راهبردهایی که بر اساس نیازهای توسعه جهت داده می‌شوند، نشانه بارز این دیدگاه هستند.

باید گفت که در ذیل جایگاه فضایی صنایع در مناطق روستایی نگرش‌هایی چون دیدگاه تاریخی، دیدگاه کارایی اقتصادی، دیدگاه الگوی تقاضا و کشش‌پذیری کالا، دیدگاه صنعتی شدن از طریق انقلاب سبز، دیدگاه اشتغال‌زایی، دیدگاه بازار آزاد یا راهبرد تجاری، دیدگاه جانشینی واردات و سیاست‌های تمرکزی مطرح و مورد بحث و تجدیدنظر قرار گرفته‌اند.

مطیعی لنگرودی و همکاران (Motiee Langroodi et al., 2011) به بررسی ارزیابی پیامدهای فضایی استقرار شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان مینودشت پرداختند. یافته‌ها بیانگر آن است که استقرار شهرک صنعتی در ناحیه مورد مطالعه با پیامدها و تغییرات محیطی همراه بوده است. ایجاد اشتغال و کسب درآمد به‌طور مستقیم برای تعدادی از روستاییان از جمله آثار مثبت این شهرک‌ها است. در دیدگاه استقرار صنعت در مناطق روستایی موضوع محوری این است که چگونه و چه نوع صناعی باید در مناطق روستایی مستقر شوند. بر اساس این دیدگاه سه الگو برای کمک به صنعتی شدن مناطق روستایی وجود دارد: الف- احداث کارخانه‌های بزرگ در نزدیکی روستاها که مواد مورد نیاز خود را از محصولات کشاورزی در منطقه تأمین کنند؛ ب- حفاظت و تشویق صنایع دستی و محصولات صنعتگران محلی؛ ج - تشویق به ایجاد واحدهای کوچک که محصولات کشاورزی را فراوری نموده و یا برخی از نهادهای کشاورزی را تولید می‌کنند. این دیدگاه بر این نکته تأکید دارد که با توجه به عوامل تولید و وضعیت بازار، چه صناعی می‌توانند در مناطق روستایی استقرار یافته و یا توزیع شوند. این دیدگاه صنایع روستایی را ابزاری برای تأمین نیازهای جامعه در نظر می‌گیرد.

با کنکاش در مطالعات پیشین درباره صنایع روستایی می‌توان چند بحث را به‌صورت زیر بیان

نمود:

نخست اینکه صنایع روستایی و تعریف آن‌ها همچنان محل ابهام است؛ هرچند می‌توان به چند رویکرد به‌صورت نمونه اشاره نمود: ۱- رویکرد مبتنی بر جغرافیا که صنایع موجود در یک روستا را صنایع روستایی می‌دانند. ۲- رویکرد مبتنی بر نیروی انسانی که وجود نیروی کار روستایی را ملاک یک صنعت روستایی تلقی می‌کنند. ۳- رویکرد مبتنی بر سرمایه که در واقع تأمین سرمایه توسط خود روستاییان را ملاکی اصلی برای صنایع روستایی می‌دانند. ۴- رویکرد مبتنی بر عایدی و سود که معتقد است در صنایع روستایی حتماً باید سود حاصل از صنعت به روستا برگردد. ۵- رویکرد مبتنی بر ارزش‌های بومی و فرهنگی که صنایع روستایی را صنایع مطابق با فرهنگ و زیست‌بوم و ظرفیت‌های یک روستا تعریف می‌کنند. ۶- رویکرد مبتنی بر وابستگی به کارکردهای اصلی روستاییان که معتقد است صنایع روستایی باید از کارکردهای اصلی روستا که کشاورزی و دامپروری است نشأت گرفته باشد.

بحث دوم را می‌توان در خصوص ایجاد صنعت در روستاها بیان نمود. استقرار صنعت در روستا با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در روستاها، ضمن کاهش مهاجرت‌های روستایی و کاهش تمرکز واحدهای صنعتی و جمعیت شهرها، به‌عنوان حلقه‌ای از زنجیره تولیدات صنعتی می‌تواند مواد اولیه

صنایع دیگر باشد، هرچند به نظر می‌رسد صنعتی شدن روستایی و اثرات تبعی آن در رفاه مناطق روستایی از چهار دیدگاه دیگر نیز قابل طرح و بررسی است: ۱- دیدگاه تغییر جهت تخصیص منابع؛ ۲- دیدگاه افزایش تقاضای محلی از طریق ایجاد ارتباط بین بخش کشاورزی با صنایع روستایی؛ ۳- دیدگاه بهره‌برداری از منابع محلی؛ ۴- دیدگاه صنعتی شدن روستا با رویکرد صادرات‌گرا.

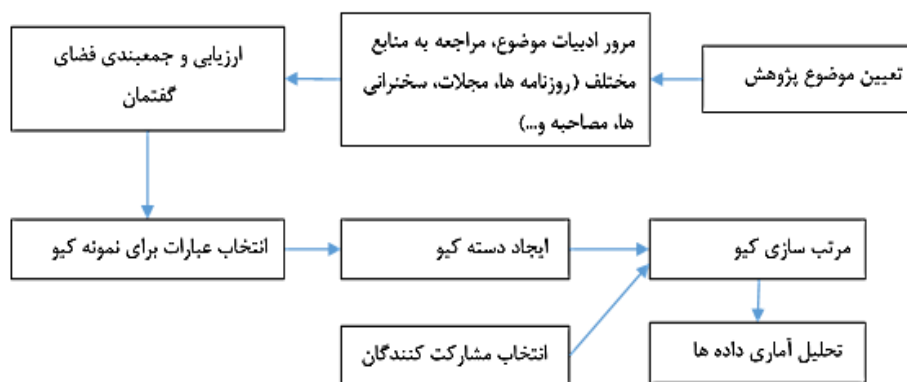
بحث سوم اینکه صنعتی‌سازی روستاها امری است که از یک سو می‌تواند، توسعه روستایی را تحت تأثیر قرار داده و در صورت اجرای مناسب به توسعه اقتصادی و صنعتی آن منجر شود و از سوی دیگر می‌تواند کژکارکردهای اساسی به دنبال داشته باشد؛ لذا به‌عنوان یک مسئله پژوهشی قابل طرح خواهد بود. از سوی دیگر، کنشگران توسعه روستایی دارای نگاه‌ها و رویکردهای مختلف و گاه متفاوتی نسبت به امر صنعتی‌سازی روستاها هستند و همین امر موجب می‌شود که در مقام تقنین، اجرا و نظارت نیز شاهد وحدت رویه مناسب نباشند. پژوهش حاضر یکی از اصلی‌ترین ریشه‌های این اختلاف رویکردها را ناشی از تفاوت ذهنیت‌های این افراد نسبت به این مفهوم می‌داند و درصدد آن است با گونه‌شناسی این ذهنیت‌ها، خط‌مشی‌گذاران را برای سرعت عمل در اجماع نظری و عملکردی یاری رساند.

روش‌شناسی تحقیق

از آنجا که هدف پژوهش علمی پاسخ به مسائل با استفاده از روش‌شناسی علمی است؛ لذا در این قسمت از مقاله، روش‌شناسی پژوهش به صورت کوتاه شرح داده شده است. در این راستا، ابتدا به چرایی استفاده از روش کیو پرداخته شده و در ادامه توضیحاتی کوتاه درباره روش کیو و مراحل انجام آن ارائه شده است. ضمن اینکه به مواردی مانند جامعه و نمونه در روش کیو، نحوه گردآوری اطلاعات، استخراج گونه‌های فکری اشاره شده است.

هدف روش کیو، آشکار ساختن الگوهای مختلف تفکر است. این روش به شمارش تعداد افرادی که تفکرات مختلفی دارند، نمی‌پردازد. در واقع، این ویژگی است که روش‌شناسی کیو را به روش‌های تحقیق کیفی نزدیک می‌سازد. البته روش‌شناسی کیو از ویژگی‌های روش‌های کمی نیز برخوردار است و از آن بهره می‌گیرد. در این روش از روش‌های آماری مانند تحلیل عاملی^۱ و تحلیل مؤلفه‌های اصلی به منظور دسته‌بندی افراد استفاده می‌شود. افراد در روش‌شناسی کیو به جای متغیرها مورد تحلیل قرار می‌گیرند و این تفاوت اصلی این روش‌شناسی با سایر روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی است. این تفاوت از این حیث است که در روش‌های تحقیق متداول، n نفر را انتخاب و m

ویژگی را «از آن‌ها» اندازه‌گیری می‌کنند؛ درحالی‌که در مطالعه کیو، m نفر انتخاب می‌شوند تا «خود آن‌ها» n ویژگی را اندازه‌گیری کنند. این ویژگی مطالعه کیو باعث می‌شود که افراد مشارکت‌کننده در آن دارای رفتاری فعال باشند و در واقع اندازه‌گیری آن‌ها مورد توجه محقق است. درحالی‌که در سایر روش‌های تحقیق متداول، افراد انتخابی دارای رفتاری انفعالی هستند، یعنی اندازه‌گیری می‌شوند؛ بنابراین این اندازه‌ها هستند که برای تحقیق اهمیت دارند. مراحل انجام مطالعه کیو گوناگون بوده که یکی از آن‌ها در شکل ۱ نشان داده شده است (Khoshgoyan Fard, 2007).



شکل ۱. مراحل انجام مطالعه کیو

موضوعاتی برای انجام با روش کیو مناسب هستند که دیدگاه‌ها، انتظارات و نیز موضوع‌های متعدد، متنوع و بعضاً متضاد درباره آن‌ها وجود داشته باشد که ذهنیت‌های گوناگون درباره صنعتی‌سازی روستاها در میان کنشگران توسعه روستایی از جمله چنین موضوعاتی است. در پژوهش حاضر تمامی نکات و مطالبی که درباره صنعتی‌سازی روستاها مطرح شده بود و در کتاب‌ها و سخنرانی‌ها و... وجود داشت، گردآوری شد و مصاحبه‌هایی نیز صورت گرفت. با توجه به وجود رشته‌های دانشگاهی مرتبط با توسعه روستایی و همچنین گستردگی و اهمیت موضوع در حوزه مباحثی نظیر توسعه، صنعتی‌شدن و صنعتی‌سازی، ادبیات نسبتاً پراکنده‌ای وجود داشت و اظهارنظرهای متنوعی در این زمینه صورت گرفت. پس از آن، مطالب گردآوری شده در مرحله قبل، مورد ارزیابی قرار گرفت و محتویات فضای گفتمان به عبارات کوتاه تبدیل شد که به آن‌ها، عبارت کیو گفته می‌شود و در نهایت از میان عبارات کیو، ۴۱ عبارت به‌عنوان نمونه کیو انتخاب شد. از جمله ملاک‌های انتخاب این گزاره‌های برگزیده، اهمیت و تمایزبخشی، ظرفیت چالش‌انگیز

بودن عبارت‌ها، میزان تأکید صورت گرفته توسط مصاحبه‌شوندگان و نیز عمومیت هرچه بیشتر فضای گفتمان بود. هریک از عبارت‌های نمونه کیو جداگانه بر روی یک کارت نوشته می‌شود تا دسته کارت‌های کیو تهیه شود و آماده مرتب‌سازی شود. مجموعه این کارت‌ها دسته کیو^۱ را تشکیل می‌دهند (Khoshgoyan Fard, 2007). در این پژوهش با جلسات برگزار شده، عبارت‌های نمونه کیو قطعی شد که طبق شماره‌گذاری تصادفی انجام شده، در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. عبارت‌های نمونه کیو پیرامون صنعتی‌سازی روستاها

گزاره‌های کیو	
۱	با وضعیت موجود، صنعتی‌سازی روستاها تنها راه نجات روستاها است.
۲	هر نوع مداخله صنعت در روستا موجب نابودی روستا است.
۳	از آنجاکه صنعتی‌سازی روستا یکی از راهبردهای متنوع‌سازی اقتصاد روستاها است، لذا باید جنبه اقتصادی و درآمدی آن برای روستاییان در اولویت اول باشد.
۴	اگر هم قرار است روستاها صنعتی شوند، حتماً باید ارزش‌های فرهنگی و سنتی روستاها حفظ شوند.
۵	صنعت در روستا رشد نمی‌کند مگر اینکه مناسبات اجتماعی روستا هم تغییر کند.
۶	ورود صنعت به روستا، فرهنگ اصیل آن را از بین می‌برد.
۷	کسانی که درباره صنعتی‌سازی روستاها صحبت می‌کنند، غرب را الگوی خود می‌دانند.
۸	صنعتی‌سازی همان صنعتی شدن است که گریزی از آن نیست و دیر یا زود به وقوع خواهد پیوست.
۹	صنعتی‌سازی در روستاها، چیز عجیبی نیست؛ همان افزایش قابلیت و پیشروی در حلقه‌های زنجیره ارزش محصولات تولیدی روستاییان است البته تا جایی که از نظر لجستیکی امکان‌پذیر باشد.
۱۰	صنعتی‌سازی امری ساختاری است و باید ساختارها را برای تحقق آن تنظیم کرد.
۱۱	صنعتی‌سازی امری نهادی و درونی است و جزء با توسعه درون‌زا رخ نمی‌دهد.
۱۲	اگر کسی فکر می‌کند که با بردن کارخانه و خط تولید در روستا، آن را صنعتی می‌کند ساده‌اندیش است.
۱۳	اگر کسی فکر می‌کند صنعتی‌سازی، روستا را نجات می‌دهد، یا خائن است یا جاهل.
۱۴	صنعتی‌سازی روستا فرایندی تدریجی است ولی ناگزیر از آن هستیم.
۱۵	صنعتی‌سازی روستاها فقط از طریق توسعه صنایع تکمیلی و تبدیلی محصولات خود روستا شدنی است.
۱۶	صنایع روستایی باید انسان محور (کاربر محور) باشند و نه سرمایه‌محور.
۱۷	باید صنایع روستایی با محوریت توسعه و فراوری مواد تولیدی روستاها توسعه یابند و ورود صنایع بی‌ارتباط به محیط روستا مجاز نیست.
۱۸	راهبرد صنعتی شدن با تأسیس یا راه‌اندازی شهرک صنعتی در کنار روستا رخ می‌دهد.
۱۹	همین کارهایی که تا الان تحت عنوان صنعتی‌سازی روستا رخ داده است باید جمع شوند و از اساس اشتباه بودند.
۲۰	دولت باید فعالانه در زمینه صنعتی‌سازی روستاها اقدام کند.
۲۱	صنعتی‌سازی روستاها باید توسط مردم هر روستا صورت بگیرد و هر نوع مداخله بیرونی مذموم است.
۲۲	صنعتی شدن روستاها به افزایش بیکاری عموم روستاییان می‌انجامد و فقط بخش اندکی از مردم روستا به کارگران درجه دو صنایع تبدیل می‌شوند.

1. Q Deck

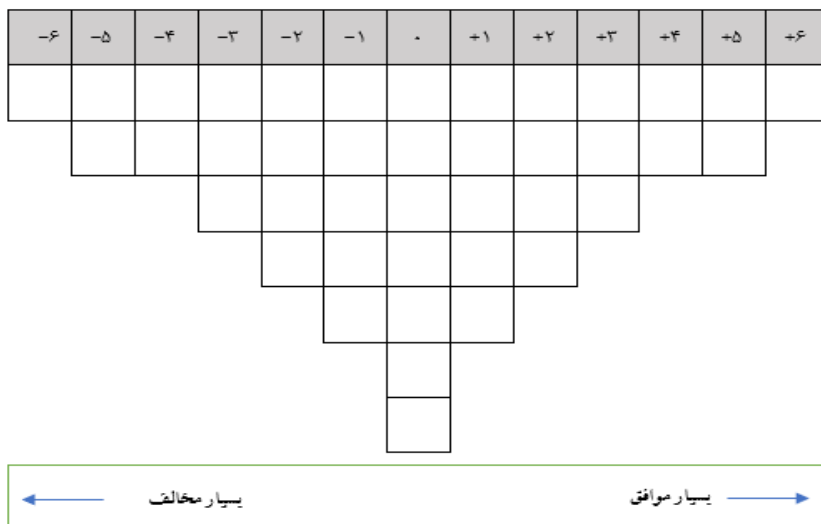
گزاره‌های کیو

۲۳	مشکل اصلی روستاها، نبود اشتغال است و صنعتی شدن روستاها به ایجاد اشتغال مردم روستا کمک می‌کند.
۲۴	صنعتی شدن روستاها به توزیع درآمد و توسعه عدالت برای مردم روستاها منجر می‌شود.
۲۵	صنعتی شدن روستاها به افزایش شکاف طبقاتی هرچه بیشتر روستاییان می‌انجامد.
۲۶	صنعتی‌سازی روستاها یک شعار فریبنده برای به یغما بردن ظرفیت‌ها و امکانات روستاییان است.
۲۷	در انتخاب صنایع برای روستاها باید به مسئله جمعیت توجه کرد و میزان برخورداری مالی جمعیت هر روستا، تعیین‌کننده صنعت مورد نظر است.
۲۸	تنها صنایع کوچک‌مقیاس در روستاها قابل تعریف هستند.
۲۹	اندازه‌صنایعی که می‌توانند در روستاها مستقر شوند بر اساس شاخص‌های اجتماعی نظیر میزان تطابق با ظرفیت خانواده‌ها و تشکل‌های روستایی تعیین می‌شود و نه لزوماً شاخص‌های اقتصادی نظیر صرفه به مقیاس.
۳۰	صنایع روستایی باید دارای نوآوری باشند تا بتوانند موقعیت مناسبی پیدا کنند.
۳۱	هر نوع صنعتی را می‌توان (و باید) در روستاها توسعه داد و از این جهت تفاوتی بین شهر و روستا نیست.
۳۲	پشتوانه صنعتی‌سازی روستاها، کارآفرینی روستایی است و بدون این پشتوانه، صنعت در روستا پایدار نمی‌ماند.
۳۳	تشکل‌های روستایی نظیر تعاونی‌ها می‌توانند زمینه ورود و تثبیت متناسب صنعت در روستاها را فراهم کنند.
۳۴	صنعتی شدن روستاها بیش از آنکه یک امر فرهنگی - اجتماعی باشد یک پدیده اقتصادی - عمرانی است.
۳۵	صنعتی شدن روستاها بیش از آنکه یک امر اقتصادی - عمرانی باشد یک پدیده فرهنگی - اجتماعی است.
۳۶	انتخاب صنعت برای توسعه در روستاها مستلزم توجه به توانمندی‌های هر روستا است. گاه می‌تواند یک صنعت قدیمی باشد و گاه یک صنعت مرز دانشی.
۳۷	صنعتی شدن روستاها یک تجربه شکست‌خورده است و نباید به آن پرداخت.
۳۸	توسعه صنایع روستایی بیش از آنکه جنبه اقتصادی داشته باشد به ارتقای اعتماد، سرمایه اجتماعی و هویت‌سازی روستاییان می‌انجامد.
۳۹	وقتی یک روستا، صنعتی نیست عقب‌مانده تلقی می‌شود.
۴۰	بدون همراهی دولت، اصلاً نمی‌توان صنعتی شدن روستاها را تصور کرد.
۴۱	صنایع روستایی باید مبتنی بر فعالیت‌های خانوادگی شکل بگیرد تا هویت روستا هم حفظ شود.

مرحله بعدی در پیاده‌سازی روش کیو، انتخاب افرادی است که بنا است ذهنیت‌های آن‌ها پیرامون موضوع مورد نظر شناسایی شوند. در این زمینه، افراد بنا به دسترسی و ظرفیت پاسخگویان و نمایندگی از تمامی ذهنیت‌ها انتخاب شدند. در مرحله پایانی، دسته‌های کیو در اختیار متخصصان قرار گرفت و آن‌ها به چینش کارت‌ها پرداختند. نمودار کیو^۱، نمودار بزرگی است که در اختیار فرد قرار می‌گیرد تا ترتیب دلخواه خود را با قرار دادن کارت‌ها بر روی آن مشخص کند. این نمودار می‌تواند در قالب یک مقوا یا تخته بزرگ باشد. در این نمودار، طیف مدرجی وجود دارد که مشارکت‌کننده کارت‌ها را بر اساس میزان موافقت یا مخالفت خود در نمودار توزیع می‌کند. معمولاً درجه‌بندی طیف به صورت متقارن از $-X$ تا $+X$ است. مقادیر منفی بر مخالفت و مقادیر مثبت بر موافقت با محتوای کارت

1. Q Diagram

دلالت دارند. مقدار صفر به حالت خنثی یا مردد تعلق دارد. اینکه مقدار X چه باشد، به تعداد کارت‌ها و تشخیص پژوهشگر برمی‌گردد که به چه دقتی در درجه‌بندی نیاز دارد (Khoshgoyan Fard, 2007).



شکل ۲. قالب نمودار کیو استفاده شده در پژوهش

داده‌های گردآوری شده در این مرحله با روش تحلیل عاملی، تحلیل و عامل‌های استخراج شده تفسیر می‌شود. در تحلیل آماری داده‌ها به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود. مشارکت‌کنندگان به کدام عبارات به شکلی یکسان امتیاز داده‌اند؟ در مقابل، کدام عبارات باعث ایجاد تمایز در بین مشارکت‌کنندگان شده‌اند؟ چه ذهنیت‌های مختلفی را می‌توان در بین مشارکت‌کنندگان شناسایی کرد؟ (Khoshgoyan Fard, 2007).

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های خبره‌محور است؛ لذا جامعه آماری مورد رجوع در پژوهش در دسته‌بندی متخصصان و خبرگان حوزه توسعه روستایی قرار می‌گیرند. یافتن چنین جامعه‌ای که کنشگران این حوزه را تشکیل می‌دهند، امری دشوار و زمان‌بر است. به‌منظور یافتن چنین متخصصانی از روش گلوله برفی استفاده شد. همچنین از گروه‌های حرفه‌ای و تخصصی که در این زمینه فعال بودند، به‌عنوان خبرگان تکمیل‌کننده پرسش‌نامه‌ها بهره‌گیری شد. کنشگران عرصه توسعه روستایی، خبرگانی بودند که به‌عنوان مصاحبه‌شونده یا تکمیل‌کننده جداول کیو به آن‌ها مراجعه شد. آن‌ها ضمن دغدغه‌مندی در این امر با مفاهیم پایه‌ای توسعه صنعت

در روستاها (و صنعتی‌سازی آن‌ها) آشنایی داشتند. بدیهی است که تمام کنشگران مذکور نسبت به صنعتی‌سازی روستاها، خوش‌بین نبوده و برخی از این کنشگران، دارای ذهنیت متفاوت و حتی انتقادی نسبت به این پدیده بودند. روش‌شناسی کیو به کشف چنین ذهنیت‌ها و آشکار شدن تفاوت‌ها کمک می‌کند. ۱۷ نفر مورد مراجعه برای تکمیل جداول کیو در این مرحله با این رویکرد انتخاب شدند. پژوهش حاضر در چندین مرحله از خبرگان و متخصصان استفاده کرد که در ادامه به اطلاعات جمعیت‌شناختی این متخصصان اشاره می‌شود.

مرحله نخست (مصاحبه‌های اکتشافی): به منظور تدقیق موضوع و شناسایی گویه‌ها، پس از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد، مصاحبه‌های متعددی با متخصصان حوزه‌های توسعه، توسعه کشاورزی، توسعه روستایی و اقتصاد انجام گرفت. در این مصاحبه‌ها، چندین نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، مسئولین فعلی و سابق در حوزه‌های کشاورزی و روستایی، پژوهشگران حوزه کشاورزی و توسعه، کارشناسان مراکزی نظیر مرکز پژوهش‌های مجلس قرار داشتند و حتی در مرحله نهایی نیز، مجدداً خروجی‌های پژوهش را مشاهده نمودند.

مرحله دوم (تکمیل جداول کیو): در این مرحله از ۱۷ نفر از متخصصان استفاده شد. در توضیح کفایت تعداد خبرگان در روش‌شناسی کیو باید به این نکته توجه شود که این روش‌شناسی از نوع آمیخته بوده و از حیث تعداد در صورتی که تنوع لازم در خبرگان صاحب صلاحیت رعایت شود و تیم پژوهش به جمع‌بندی کافی رسیده باشد، امکان توقف تکمیل جداول وجود دارد. تأیید گروه کانونی شکل گرفته توسط تیم پژوهش برای کفایت تعداد در پژوهش حاضر به دست آمد.

تحلیل عاملی کیو

در این مرحله از پژوهش به منظور دسته‌بندی مشارکت‌کنندگان پژوهش بر اساس تشابه ذهنیت از رویه پژوهش‌های کمی استفاده شد. استیفنسون مبدع روش‌شناسی کیو تحت تأثیر نظریه تحلیل عاملی کیو توانست، همبستگی میان افراد را شناسایی کرده و بر اساس ذهنیت مشابه در بین آن‌ها، دسته‌بندی‌هایی را ارائه کند. روش تحلیل عاملی، اصلی‌ترین روش آماری برای تحلیل ماتریس داده‌های کیو است. مبنای این روش نیز همبستگی میان «افراد» است. از این رو، استفاده از عبارت «تحلیل عاملی کیو» به منظور تأکید بر این مهم است که در فرایند تحلیل عاملی، افراد به جای متغیرها دسته‌بندی می‌شوند (Khoshgoyan Fard, 2007). برای انجام تحلیل عاملی از ماتریس

همبستگی استفاده شد. عامل‌ها به روش واریماکس^۱ که نوعی چرخش متعامد است، چرخش یافتند. اعداد استخراج شده از تحلیل عاملی کیو به روش مؤلفه‌های اصلی^۲ هستند.

نتایج و بحث

نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی کیو در این قسمت به تفکیک اشتراکات، واریانس تبیین شده، ماتریس چرخش یافته عامل‌ها و امتیازهای عاملی، ارائه و مورد بررسی قرار می‌گیرند.

میزان اشتراکات استخراج شده

مطابق نتایج مقدار اشتراکات استخراج شده از تحلیل عاملی کیو به روش مؤلفه‌های اصلی (جدول ۲)، هیچ‌یک از افراد از جدول اشتراکات حذف نشدند.

جدول ۲. جدول اشتراکات

اولیه	استخراج شده	اولیه	استخراج شده
E01	۱/۰۰۰	E10	۰/۶۰۱
E02	۱/۰۰۰	E11	۰/۷۶۷
E03	۱/۰۰۰	E12	۰/۵۷۴
E04	۱/۰۰۰	E13	۰/۶۱۹
E05	۱/۰۰۰	E14	۰/۸۱۰
E06	۱/۰۰۰	E15	۰/۵۷۴
E07	۱/۰۰۰	E16	۰/۶۸۲
E08	۱/۰۰۰	E17	۰/۵۵۴
E09	۱/۰۰۰	-	۰/۸۰۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش (روش استخراج: تحلیل مؤلفه‌های اصلی)

واریانس کل تبیین شده

مقدار کل واریانس تبیین شده (جدول ۳) نشان می‌دهد که با توجه به دیدگاه افراد نمونه، نهایتاً چهار عامل (که مقادیر ویژه آن‌ها بالای ۱ است) شناسایی شده که در حدود ۶۹ درصد واریانس را تبیین و پوشش می‌دهند. بیشترین واریانس تبیین شده مربوط به عامل اول (۲۹/۷ درصد) و دوم (۱۶/۲ درصد) است و بعد از آن‌ها به ترتیب هریک از عامل‌های سوم (۱۵/۵ درصد) و چهارم (۷/۳ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

1. Varimax
2. Principal Component

گونه‌شناسی ذهنیت‌های کنشگران توسعه روستایی.....

جدول ۳. واریانس کل تبیین شده

مؤلفه	مقدار ویژه	واریانس تبیین شده (%)	واریانس تجمعی تبیین شده (%)
۱	۵/۰۶	۲۹/۷۹	۲۹/۷۹
۲	۲/۷۶	۱۶/۲۴	۴۶/۰۳
۳	۲/۶۴	۱۵/۵۱	۶۱/۵۴
۴	۱/۲۵	۷/۳۳	۶۸/۸۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش (روش استخراج: تحلیل مؤلفه‌های اصلی)

ماتریس چرخش یافته عامل‌ها

نتایج ماتریس چرخش یافته با استفاده از روش واریماکس در جدول ۴ ارائه شده که برای تفسیر و شناسایی عامل‌ها به کار می‌رود.

جدول ۴. ماتریس چرخش یافته عامل‌ها (ضریب امتیاز مؤلفه‌ها)

	ذهنیت‌ها				
	۴	۳	۲	۱	
E01	-۰/۱۵۴	-۰/۰۵۱	۰/۳۷۲	-۰/۱۰۰	
E02	۰/۰۷۸	۰/۰۳۳	-۰/۰۵۲	۰/۱۷۲	
E03	۰/۲۹۰	-۰/۰۷۹	۰/۲۲۴	-۰/۰۷۱	
E04	-۰/۰۸۹	۰/۰۴۸	-۰/۰۱۵	۰/۱۶۶	
E05	-۰/۰۷۵	۰/۱۴۴	-۰/۰۱۳	۰/۱۷۱	
E06	۰/۰۸۱	-۰/۰۸۷	-۰/۰۷۵	۰/۱۴۵	
E07	۰/۰۵۵	-۰/۱۱۱	۰/۱۱۲	۰/۰۸۲	
E08	-۰/۰۰۲	۰/۲۳۹	۰/۰۲۷	۰/۰۴۷	
E09	-۰/۰۱۷	۰/۰۹۵	۰/۲۷۵	-۰/۰۳۵	
E10	-۰/۰۳۸	-۰/۰۲۴	-۰/۱۹۳	۰/۲۳۳	
E11	۰/۰۹۶	۰/۳۳۵	-۰/۰۶۶	۰/۰۴۳	
E12	-۰/۱۲۹	-۰/۲۴۵	۰/۰۲۸	۰/۱۰۱	
E13	۰/۶۲۳	۰/۰۴۶	-۰/۰۶۶	۰/۰۲۰	
E14	-۰/۰۶۱	-۰/۱۰۴	۰/۳۷۴	-۰/۰۸۶	
E15	۰/۰۶۱	۰/۰۹۰	-۰/۰۴۲	۰/۱۶۳	
E16	-۰/۱۱۸	۰/۳۰۸	-۰/۱۰۴	۰/۰۱۲	
E17	-۰/۵۵۹	-۰/۰۱۳	۰/۰۸۶	۰/۱۵۹	

مأخذ: یافته‌های پژوهش (روش استخراج: تحلیل مؤلفه‌های اصلی، روش چرخش: واریماکس با نرمال‌سازی کایزر)

جدول ۴ نشان می‌دهد که کدام دسته از مشارکت‌کنندگان باعث ایجاد هریک از عامل‌ها یا الگوهای ذهنی شده‌اند. به عبارت دیگر، نمایندگان الگوهای ذهنی ۱ تا ۴ کدامیک از مشارکت‌کنندگان هستند؟

امتیازهای عاملی

در این قسمت به بررسی امتیازهای عاملی پرداخته می‌شود. برای این منظور از اطلاعات داده‌های اولیه وارد شده از جدول کیو و همچنین از جدول بارهای عاملی استفاده شد. برای محاسبه امتیازهای عاملی ابتدا وزن عامل‌های معنی‌دار محاسبه شد. آرایه‌های عاملی در جدول، با توجه به امتیازهای عاملی و مرتب‌سازی آن‌ها و اختصاص اعدادی بین ۱ تا ۴۱ با توجه به رتبه امتیازهای عاملی محاسبه شدند. در مرحله بعد برای شناسایی عبارت‌های هریک از عامل‌ها، آرایه‌های عاملی به دست آمده از جدول در طیف نمودار کیو قرار می‌گیرد تا به روشنی مشخص شود که هر عامل دارای چه آرایه‌ای است. در واقع، نمودارهای نقطه اتصال ماتریس چرخش یافته و امتیازهای عاملی است تا بدین طریق میزان اهمیت هر عبارت در هر عامل با توجه به افراد آن عامل مشخص شود.

در تفسیر عامل‌ها باید ذهنیت را به‌عنوان یک کل در نظر گرفت. بنابراین تفسیر عامل‌ها باید از همین روند پیروی کند و تفسیر ارائه شده تمامی جنبه‌های تجلی یافته در عامل‌ها را بررسی و تشریح کند. تفسیر عامل‌ها به روش منطق استدلالی، استقرایی - قیاسی انجام می‌شود. روش جست-وجوی عبارات متمایزکننده می‌تواند در تفسیر یافته‌ها و نتایج راهگشا باشد. این عبارات به حل معماهای مطرح شده و تفسیر دقیق‌تر هریک از عامل‌ها و تشخیص بهتر گزینه کیوهای تکمیلی کمک می‌کند. برای شناسایی عبارات متمایزکننده (و به تبع توافقی) دو راه وجود دارد: ۱ - کمی و از طریق فرمول و ۲ - به کمک جداول آرایه عاملی و تشخیص تفاوت امتیازهایی که مشارکت‌کنندگان به عبارات داده‌اند. در این پژوهش، از روش دوم برای تعیین مجموعه گزاره‌های متمایزکننده استفاده شد. روش اجرا بدین صورت بود که ۴۱ خانه جدول که همان ۴۱ رتبه گزاره‌ها هستند، به چهار دسته تقسیم‌بندی شدند. این چارک‌ها شامل رتبه‌های ۱ تا ۱۰، ۱۱ تا ۲۰، ۲۱ تا ۳۰ و ۳۱ تا ۴۱ بودند. سپس بر اساس جدول آرایه عاملی، هر گزاره در این ذهنیت‌های چهارگانه که در هر چهار چارک وجود داشت را گزاره «تمایزکننده»، گزاره‌ای که در سه چارک وجود داشت، گزاره «نسبتاً متمایزکننده»، گزاره‌ای که در دو چارک وجود داشت، گزاره «نسبتاً توافقی» و گزاره‌ای که تنها در یک چارک وجود داشت، گزاره «توافقی» نام‌گذاری شد. نتایج رتبه‌بندی آرایه‌های عاملی و وضعیت تمایز عبارت‌ها - به صورت متمایزکننده یا توافقی - در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. رتبه‌های آرایه‌های عاملی به‌منظور دسته‌بندی وضعیت گزاره‌ها

وضعیت	گزاره	اول	دوم	سوم	چهارم
توافقی	با وضعیت موجود، صنعتی‌سازی روستاها تنها راه نجات روستاها است.	۲۴	۳۲	۳۹	۴۱
توافقی	هر نوع مداخله صنعت در روستا موجب نابودی روستا است.	۲۳	۳۹	۳۸	۲۸
نسبتاً متمایزکننده	از آنجاکه صنعتی‌سازی روستا یکی از راهبردهای متنوع‌سازی اقتصاد روستاها است، لذا باید جنبه اقتصادی و درآمدی آن برای روستاییان در اولویت اول باشد.	۳۳	۱۵	۶	۱۰
نسبتاً متمایزکننده	اگر هم قرار است روستاها صنعتی شوند، حتماً باید ارزش‌های فرهنگی و سنتی روستاها حفظ شوند.	۱۱	۴۱	۳۵	۳
متمایزکننده	صنعت در روستا رشد نمی‌کند مگر اینکه مناسبات اجتماعی روستا هم تغییر کند.	۴۰	۱۶	۲۶	۷
نسبتاً توافقی	ورود صنعت به روستا، فرهنگ اصیل آن را از بین می‌برد.	۱۰	۱۸	۴	۱۵
نسبتاً متمایزکننده	کسانی که درباره صنعتی‌سازی روستاها صحبت می‌کنند، غرب را الگوی خود می‌دانند.	۱	۳۵	۲۵	۱۲
نسبتاً توافقی	صنعتی‌سازی همان صنعتی شدن است که گریزی از آن نیست و دیر یا زود به وقوع خواهد پیوست.	۲۱	۲۱	۱۳	۱۴
نسبتاً توافقی	صنعتی‌سازی در روستاها، چیز عجیبی نیست. همان افزایش قابلیت و پیشروی در حلقه‌های زنجیره ارزش محصولات تولیدی روستاییان است؛ البته تا جایی که از نظر لجستیکی امکان‌پذیر باشد.	۳	۳	۳	۳۵
نسبتاً توافقی	صنعتی‌سازی امری ساختاری است و باید ساختارها را برای تحقق آن تنظیم کرد.	۸	۲۳	۲۸	۲
نسبتاً توافقی	صنعتی‌سازی امری نهادی و درونی است و جزء با توسعه درون‌زا رخ نمی‌دهد.	۴	۳۱	۲۷	۶
متمایزکننده	اگر کسی فکر می‌کند با بردن کارخانه و خط تولید در روستا، آن را صنعتی می‌کند ساده‌اندیش است.	۴۱	۲۲	۱۷	۴
نسبتاً متمایزکننده	اگر کسی فکر می‌کند صنعتی‌سازی، روستا را نجات می‌دهد، یا خائن است یا جاهل.	۳۰	۲۹	۱۲	۲۲
نسبتاً متمایزکننده	صنعتی‌سازی روستا فرایندی تدریجی است ولی ناگزیر از آن هستیم.	۲۶	۱۴	۲۹	۲۳

وضعیت	گزاره	اول	دوم	سوم	چهارم
نسبتاً توافقی	صنعتی‌سازی روستاها فقط از طریق توسعه صنایع تکمیلی و تبدیلی محصولات خود روستا شدنی است.	۳۹	۲۵	۱۴	۳۰
نسبتاً توافقی	صنایع روستایی باید انسان‌محور (کاربر محور) باشند و نه سرمایه‌محور.	۲۵	۶	۳۰	۲۴
نسبتاً متمایزکننده	باید صنایع روستایی با محوریت توسعه و فراوری مواد تولیدی روستاها توسعه یابند و ورود صنایع بی‌ارتباط به محیط روستا، مجاز نیست.	۳۶	۸	۲۱	۹
نسبتاً متمایزکننده	راهبرد صنعتی شدن با تأسیس یا راه‌اندازی شهرک صنعتی در کنار روستا رخ می‌دهد.	۳۸	۱۲	۱۸	۳۷
نسبتاً توافقی	همین کارهایی که تا الان تحت عنوان صنعتی‌سازی روستا رخ داده است باید جمع شوند و از اساس اشتباه بوده است.	۱۹	۴	۱۶	۱۶
نسبتاً توافقی	دولت باید فعالانه در زمینه صنعتی‌سازی روستاها اقدام کند.	۶	۲۶	۷	۵
نسبتاً متمایزکننده	صنعتی‌سازی روستاها باید توسط مردم هر روستا صورت بگیرد و هر نوع مداخله بیرونی مذموم است.	۱۲	۱	۳۲	۳۳
نسبتاً متمایزکننده	صنعتی شدن روستاها به افزایش بیکاری عموم روستاییان می‌انجامد و فقط بخش اندکی از مردم روستا به کارگران درجه دو صنایع تبدیل می‌شوند.	۷	۱۹	۲۲	۲۷
نسبتاً متمایزکننده	مشکل اصلی روستاها، نبود اشتغال است و صنعتی - شدن روستاها به ایجاد اشتغال مردم روستا کمک می‌کند.	۱۷	۷	۲۳	۳۸
توافقی	صنعتی شدن روستاها به توزیع درآمد و توسعه عدالت برای مردم روستاها منجر می‌شود.	۲۹	۳۷	۳۱	۳۴
نسبتاً متمایزکننده	صنعتی شدن روستاها به افزایش شکاف طبقاتی هرچه بیشتر روستاییان می‌انجامد.	۱۳	۳۰	۲	۸
نسبتاً متمایزکننده	صنعتی‌سازی روستاها یک شعار فریبنده برای به یغما بردن ظرفیت‌ها و امکانات روستاییان است.	۱۴	۱۰	۳۶	۲۵
نسبتاً توافقی	در انتخاب صنایع برای روستاها باید به مسئله جمعیت توجه کرد و میزان برخورداری مالی جمعیت هر روستا، تعیین‌کننده صنعت مورد نظر است.	۲۰	۳۸	۲۴	۱۳
نسبتاً توافقی	تنها صنایع کوچک مقیاس در روستاها قابل تعریف هستند.	۵	۳۴	۳۳	۲۹

وضعیت	گزاره	اول	دوم	سوم	چهارم
نسبتاً توافقی	اندازه‌سنایی که می‌توانند در روستاها مستقر شوند بر اساس شاخص‌های اجتماعی نظیر میزان تطابق با ظرفیت خانواده‌ها و تشکل‌های روستایی تعیین می‌شود و نه لزوماً شاخص‌های اقتصادی نظیر صرفه به مقیاس.	۳۲	۱۱	۴۱	۱۹
نسبتاً متمایزکننده	صنایع روستایی باید دارای نوآوری باشند تا بتوانند موقعیت مناسبی پیدا کنند.	۳۵	۲۷	۹	۲۰
نسبتاً متمایزکننده	هر نوع صنعتی را می‌توان (و باید) در روستاها توسعه داد و از این جهت تفاوتی بین شهر و روستا نیست.	۹	۲۴	۵	۴۰
نسبتاً متمایزکننده	پشتوانه صنعتی‌سازی روستاها، کارآفرینی روستایی است و بدون این پشتوانه، صنعت در روستا پایدار نمی‌ماند.	۱۸	۵	۴۰	۲۱
نسبتاً متمایزکننده	تشکل‌های روستایی نظیر تعاونی‌ها و ... می‌توانند زمینه ورود و تثبیت متناسب صنعت در روستاها را فراهم کنند.	۳۷	۲۸	۸	۱۷
توافقی	صنعتی شدن روستاها بیش از آنکه یک امر فرهنگی - اجتماعی باشد یک پدیده اقتصادی - عمرانی است.	۳۱	۴۰	۳۷	۳۹
نسبتاً توافقی	صنعتی شدن روستاها بیش از آنکه یک امر اقتصادی - عمرانی باشد یک پدیده فرهنگی - اجتماعی است.	۲	۱۷	۱۵	۱۸
نسبتاً توافقی	انتخاب صنعت برای توسعه در روستاها مستلزم توجه به توانمندی‌های هر روستا است گاه می‌تواند یک صنعت قدیمی باشد و گاه یک صنعت مرز دانشی.	۲۸	۲	۳۴	۱
نسبتاً توافقی	صنعتی شدن روستاها یک تجربه شکست‌خورده است و نباید به آن پرداخت.	۳۴	۳۶	۱۱	۳۶
نسبتاً توافقی	توسعه صنایع روستایی بیش از آنکه جنبه اقتصادی داشته باشد به ارتقای اعتماد، سرمایه اجتماعی و هویت‌سازی روستاییان می‌انجامد.	۲۲	۲۰	۱۹	۳۱
نسبتاً متمایزکننده	وقتی یک روستا، صنعتی نیست، عقب‌مانده تلقی می‌شود.	۱۶	۳۳	۱	۳۲
نسبتاً متمایزکننده	بدون همراهی دولت، اصلاً نمی‌توان صنعتی شدن روستاها را تصور کرد.	۲۷	۱۳	۲۰	۱۱
نسبتاً متمایزکننده	صنایع روستایی باید مبتنی بر فعالیت‌های خانوادگی شکل بگیرد تا هویت روستا هم حفظ شود.	۱۵	۹	۱۰	۲۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مطابق یافته‌های حاصل از گردآوری و تحلیل داده‌ها، چهار ذهنیت شناسایی شد که در ادامه به توضیح مختصر هریک از ذهنیت‌های نهایی پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که در اینجا قضاوت ارزشی خاصی پیرامون نوع ذهنیت‌ها وجود ندارد و هدف، توصیف هریک از این ذهنیت‌ها با استفاده از گویه‌های مستخرج در مرحله تجزیه و تحلیل است.

مهمترین موافقت‌ها در ذهنیت اول با گزاره‌های ۷، ۳۵ و ۹ است و با گزاره‌های ۵، ۱۲ و ۱۵ کاملاً مخالفند. ذهنیت اول را می‌توان «محافظه‌کاران فرهنگ صنعتی» روستا نامید. صنعتی شدن روستاها در این ذهنیت بیش از آنکه یک امر اقتصادی - عمرانی باشد، یک پدیده فرهنگی - اجتماعی است و جالب آنکه این افراد معتقدند کسانی که درباره صنعتی‌سازی روستاها صحبت می‌کنند، غرب را الگوی خود می‌دانند. ضمن اینکه از نظر عملیاتی بر این باور هستند که صنعتی‌سازی در روستاها موضوع عجیبی نیست؛ همان افزایش قابلیت و پیشروی در حلقه‌های زنجیره ارزش محصولات تولیدی روستاییان است، البته تا جایی که از نظر لجستیکی امکان‌پذیر باشد. این ذهنیت معتقد است، صنعت در روستا حتی با وجود حفظ مناسبات اجتماعی آن هم امکان‌پذیر است؛ بنابراین با این گزاره «صنعت در روستا رشد نمی‌کند، مگر اینکه مناسبات اجتماعی روستا هم تغییر کند.» به شدت مخالفند. ضمن اینکه طرفداران این ذهنیت، مخالف این جمله هستند که اگر کسی فکر می‌کند که با بردن کارخانه و خط تولید در روستا، آن را صنعتی می‌کند ساده‌اندیش است؛ یعنی معتقدند با اندک تغییراتی می‌توان روستا را صنعتی کرد. همچنین بر این باور هستند که صنعتی‌سازی روستاها فقط از طریق توسعه صنایع تکمیلی و تبدیلی محصولات خود روستا شدنی نیست. در مجموع این افراد، ارزش‌های فرهنگی روستا را بسیار مهمتر از مؤلفه‌های اقتصادی آن می‌دانند.

مهمترین موافقت‌ها در ذهنیت دوم با گزاره‌های ۹، ۱۹، ۲۱ و ۳۶ و بیشترین مخالفت‌ها با ۲، ۴، ۲۷ و ۳۴ است. ذهنیت دوم را می‌توان با عنوان «روستا بر مدار صنعت» نام‌گذاری کرد. جالب اینکه در این ذهنیت، کارهایی که تا الان تحت عنوان صنعتی‌سازی روستا رخ داده است، از اساس اشتباه بوده‌اند ولی با اصل صنعتی شدن روستاها همراه هستند. صنعتی‌سازی روستاها در این ذهنیت باید توسط مردم هر روستا صورت گیرد و اتفاقاً هر نوع مداخله بیرونی برای صنعتی کردن روستاها در این ذهنیت مذموم است. جالب اینکه از نظر این ذهنیت، انتخاب صنعت - که برای توسعه در روستاها مستلزم توجه به توانمندی‌های هر روستا است - گاه می‌تواند یک صنعت قدیمی باشد و گاه یک صنعت مرز دانشی. این ذهنیت معتقد است که صنعتی‌سازی در روستاها پدیده عجیبی نیست و همان افزایش قابلیت و پیشروی در حلقه‌های زنجیره ارزش محصولات تولیدی روستاییان است البته تا جایی که از نظر لجستیکی امکان‌پذیر باشد. این ذهنیت با گزاره «هر نوع مداخله صنعت در روستا

موجب نابودی روستا است» مخالف هستند؛ بنابراین معتقدند که می‌توان مداخلاتی در روستا داشت. جالب اینکه با گزاره «اگر هم قرار است روستاها صنعتی شوند، حتماً باید ارزش‌های فرهنگی و سنتی روستاها حفظ شوند» مخالفند؛ یعنی می‌توان ارزش‌های فرهنگی را قربانی امر توسعه نمود. از سوی دیگر، با گزاره «در انتخاب صنایع برای روستاها باید به مسئله جمعیت توجه کرد و میزان برخورداری مالی جمعیت هر روستا، تعیین‌کننده صنعت مورد نظر است.» نیز مخالفت می‌کنند.

مهمترین موافقت‌ها در ذهنیت سوم با گزاره‌های ۶، ۹، ۲۵ و ۳۹ صورت گرفته و مهمترین مخالفت‌ها با گزاره‌های ۱، ۲، ۲۹ و ۳۲ است. با توجه به ملاحظات ذهنیت سوم می‌توان آن را «کنشگران ضدصنعتی روستا» نامید. طرفداران این ذهنیت معتقدند که ورود صنعت به روستا، فرهنگ اصیل آن را از بین می‌برد. صنعتی شدن روستاها به افزایش شکاف طبقاتی هرچه بیشتر روستاییان می‌انجامد. این ذهنیت، صنعتی‌سازی در روستاها را مقوله عجیبی تلقی نمی‌کند و آن را همان افزایش قابلیت و پیشروی در حلقه‌های زنجیره ارزش محصولات تولیدی روستاییان می‌داند البته تا جایی که از نظر لجستیکی امکان‌پذیر باشد، ولی نباید فرهنگ روستا را نابود کند. این ذهنیت با این گزاره که «با وضعیت موجود، صنعتی‌سازی روستاها تنها راه نجات روستاها است» مخالفت کرده و صنعتی‌سازی را تنها راه نجات نمی‌داند. در این ذهنیت لزوماً پشتوانه صنعتی‌سازی روستاها، کارآفرینی روستایی نیست. حتی درباره اندازه‌های صنایعی که می‌توانند در روستاها مستقر شوند بر این اعتقاد هستند که اساس شاخص‌های اجتماعی نظیر میزان تطابق با ظرفیت خانواده‌ها و تشکل‌های روستایی، مبنای تعیین نوع صنعت نیست.

موافقت اصلی در ذهنیت چهارم با گزاره‌های ۴، ۱۰، ۱۲ و ۳۶ بوده و مخالفت اصلی با گزاره‌های ۱، ۳۱، ۳۴ و ۲۳ است. ذهنیت چهارم، صنعتی‌سازی روستا را امری ساختاری می‌داند؛ بنابراین می‌تواند به‌عنوان «ساختارگرایان صنعتی» روستاها نام‌گذاری شود. از این‌رو، از نظر این ذهنیت اگر هم قرار است روستاها صنعتی شوند، حتماً باید ارزش‌های فرهنگی و سنتی روستاها حفظ شوند. ضمن اینکه در این ذهنیت، صنعتی‌سازی امری ساختاری بوده و باید ساختارها را برای تحقق آن تنظیم کرد. همچنین انتخاب صنعت برای توسعه در روستاها مستلزم توجه به توانمندی‌های هر روستا است. گاه یک صنعت می‌تواند قدیمی و گاه مرز دانشی باشد. صنعتی‌سازی روستاها در این ذهنیت با وضعیت موجود، لزوماً تنها راه نجات روستاها است. مشکل اصلی روستاها، نبود اشتغال است و صنعتی شدن روستاها به ایجاد اشتغال مردم روستا کمک می‌کند. این ذهنیت معتقد است که نمی‌توان هر نوع صنعتی را در روستاها توسعه داد و حتماً تفاوتی بین شهر و روستا باید قائل شد. جالب‌تر اینکه این

ذهنیت با گزاره «صنعتی شدن روستاها بیش از آنکه یک امر فرهنگی - اجتماعی باشد یک پدیده اقتصادی - عمرانی است» مخالف است.

نتیجه گیری و پیشنهادها

صنعتی سازی روستاها به عنوان یکی از روش های متنوع سازی اقتصاد روستایی دارای ابعاد و چالش های گسترده و متنوعی است. آنچه که مسئله اصلی پژوهش حاضر را شکل داده است، توجه به این امر است که کنشگران توسعه روستایی دارای ذهنیت های گوناگونی نسبت به پدیده صنعتی سازی روستاها هستند. بدین منظور پژوهش حاضر که با روش شناسی کیو انجام گرفت، کوشیده است به گونه شناسی این ذهنیت ها پرداخته و مناسبات ذهنی هریک را بیان کند. لازم به ذکر است که نتایج این پژوهش می تواند در امر سیاست گذاری حوزه توسعه روستایی استفاده شود.

مطابق یافته های پژوهش، چهار گونه ذهنیت را می توان با عناوین «محافظه کاران فرهنگ صنعتی»، «روستا بر مدار صنعت»، «کنشگران ضدصنعتی روستا» و «ساختارگرایان صنعتی» نام گذاری کرد که نشان می دهد کنشگران حوزه توسعه روستایی از نظر نوع نگاه و رویکرد به امر صنعتی سازی روستاها در طیفی نسبتاً وسیع قرار دارند. دسته ای از کنشگران معتقدند که به هیچ عنوان روستاها نباید دستخوش تغییرات صنعتی شهری شود. در آن سو، طیف افرادی قرار دارند که معتقدند روستاها، شهرهای عقب مانده اند، ولی نکته جالب این است که از نظر اندیشه ای، بسیاری از کنشگران به تفاوت شهر و روستا قائل بوده و حفظ این تفاوت را لازم می دانند؛ هرچند از نظر سیاستی، پاسخ دقیقی برای پیاده سازی آن ندارند.

یکی از نقاط قوت پژوهش هایی که با روش شناسی کیو انجام می گیرند، این است که پیشنهاد اصلی حاصل از این پژوهش در درون خود آن است. به عبارت دیگر، زمانی که نتیجه پژوهش نشان می دهد تفاوت های ذهنیتی بین کنشگران وجود داشته و یک گونه شناسی متنوع از ذهنیت ها نسبت به یک پدیده انسانی - اجتماعی وجود دارد، نمی توان انتظار داشت که خروجی سیاستی یکسان و مورد اتفاقی در بین کنشگران وجود داشته باشد. از این رو، فرایند اجماع سازی پیش از اتخاذ هر نوع تصمیم و سیاستی ضروری است که خود دانش و زمینه علمی مجزایی است و باید مورد پیگیری قرار گیرد. ضمن اینکه تفاوت در ذهنیت کنشگران توسعه روستایی در چندین مرحله و با ضریب نفوذهای گوناگونی بر کیفیت طراحی خطمشی، اجرای خطمشی و ارزشیابی خطمشی و در نتیجه کیفیت نتایج آن مؤثر است.

بخش دیگری از پیشنهادهای قابل ارائه در این پژوهش را می‌توان مرتبط با امر «صنعتی‌سازی روستاها» دانست. متأسفانه الگوی منسجمی پیرامون توسعه روستاها (و به تبع آن صنعتی‌سازی روستاها) وجود ندارد. واقعیت این است که اگر اقتصاد و معیشت روستا به‌خوبی دنبال نشود، می‌توان شاهد مرگ تدریجی روستاها بود؛ کمالینکه هم‌اکنون این مرگ، سرعت بیشتری نیز یافته است. فقدان فهم عمیق درباره امر روستا به اتخاذ تصمیمات و تجویزهای نادرست انجامیده است.

منابع

1. Hajati Ziabari, N. (2012). Examining appropriate strategies for expanding and activating rural industries, National Conference on Rural Development, Rasht, Iran. [In Persian]
2. Khoshgouianfard, A. (2007). Q Methodology. Tehran: Research Center of the Islamic Republic of Iran Radio and Television. [In Persian]
3. Ghofran, M., & Baradaran Shahroudi, Z. (2010), Sustainable Rural Income: Strategies and Solutions. Mashhad: Rangin Ketab. [In Persian]
4. Molavi, M. (2011). Investigating the role of rural industries in the process of economic and social development (Case study of villages in Mahabad city). Master's Thesis, Faculty of Agricultural Sciences, University of Tabriz. [In Persian]
5. Moradi, M., & Motiee Langrodi, S.H. (2005). The position of industries in the process of industrialization and rural development of the central part of Birjand County. *Geographical Research*, 37(53), 137-149. [In Persian]
6. Motiee Langrodi, S.H., & Najafi Kani, A.A. (2011). Rural development and industrialization (Theories, methods and strategies of industrial development). Tehran: Tehran University Printing and Publishing Institute. [In Persian]
7. Kemp, T. (1993). *Historical Patterns of Industrialization*. London: Routledge.
8. Motiee Langroodi, S.H., Toorani, A., & Soleimangoli, R. (2011). Assessment of spatial consequences of establishment of industrial towns in rural areas (case study central part of Minudasht). *Urban - Regional Studies and Research Journal*, 3(9), 37-58. [In Persian]
9. Taherkhani, M. (2000), *Industrialization of villages*, General Directorate of Industrial Plans and Exploitation, First edition, Tehran. [In Persian]

